



سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران در نوزدهمین روز از ماه مبارک رمضان ۱۴۴۲؛ - 12 / اردیبهشت / 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضين.
السلام على اميرالمؤمنين و امام المتقين و افضل الوصيين و حجة رب العالمين و رحمة الله و برکاته.

ایام ضیافت الهی و لزوم آمادگی برای کسب رحمت الهی
قله‌ی ماه رمضان، ایام قدر و لیالی مبارکه‌ی قدر است؛ ما به این قله رسیده‌ایم؛ از فرصت بی‌نظیر توسل و تضرع و دعا و طلب از پروردگار عالم [باید] استفاده کنیم. این ماه ضیافت الهی است و برترین ضیافتهای الهی در همین ایام مبارک است. این دعایی که شما میخوانید، این توسلی که شما میکنید، این اشکی که میریزید، اینها همه ضیافتهای پروردگار است که به شما اعطا شده؛ قدر اینها را بدانید و برای خودتان و همه‌ی برادران دینی‌تان و کشورتان و جامعه‌تان دعا کنید و از خدا مطالبه کنید، درخواست کنید و مطمئن به اجابت باشید. در روایت هست که وقتی دعا میکنید، اطمینان داشته باشید که این دعا مستجاب میشود؛ از طرف پروردگار هیچ قصوری وجود ندارد، او کرم محض است؛ [اما] گاهی هست که ظرف ما آمادگی ندارد برای گرفتن آن لطف و رحمت الهی؛ سعی کنیم با استغفار، با توجه و تضرع بیشتر، خودمان را آماده‌ی دریافت رحمت الهی بکنیم. دو شب از شبهای قدر باقی است، اینها را قدر بدانید. بنده هم از همه‌ی شما عزیزانی که می‌شنوید و می‌بینید، التماس دعا دارم.

خب صحبت امروز ما در ابتدا یک عرض ارادت کوتاهی است به مولای متقیان (صلوات الله و سلامه علیه)، و بعد هم به مناسبت روز معلم و روز کارگر، چند کلمه درباره‌ی معلمین عزیز و چند کلمه درباره‌ی کارگران عزیز عرض خواهیم کرد؛ ان شاء الله.

امامت معنوی و والای امیرالمؤمنین (ع)

در مورد امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) و معرفی شخصیت این بزرگوار، یک مرحله، مرحله‌ی امامت آن بزرگوار است؛ امامت نه به معنای ریاست دین و دنیا و این حرفهایی که ما در باب امامت میزنیم؛ اینها مورد نظر نیست؛ بلکه آن امامتی که خدای متعال به حضرت ابراهیم فرمود: *إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا*. (۱) خب این چه زمانی به ابراهیم گفته شده است؟ این بدون شک در زمان سالخوردگی حضرت ابراهیم است؛ چون حضرت در پاسخ پروردگار عرض میکند: *وَمِن دُرِّيَّتِي*؛ (۲) پیدا است ذریه داشته؛ و ذریه‌ی حضرت ابراهیم مال پیرمردی او است. *الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ*. (۳) حضرت در دوران جوانی و میان‌سالی و حتی اوایل کهن‌سالی هم فرزندی نداشتند؛ فرزند مال اواخر کار است. پس این امامت مربوط است به اواخر دوران زندگی حضرت ابراهیم؛ در حالی که ابراهیم ده‌ها سال قبل از آن، پیغمبر بود و پیغمبرها رئیس دین و دنیايند؛ در این شکی نیست اما این امامت را بعد خدای متعال داد. پس این امامت یک مرحله‌ی دیگری است، یک چیز بالاتری است، یک امر معنوی است. مسئله‌ی امامت با این ترازوهای عرفی ما قابل اندازه‌گیری و توزین (۴) نیست؛ این همانی است که امام صادق (علیه السلام) [در تبیین آن] در منی در حضور جمعیت‌های مردم فریاد کشید: *إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ الْإِمَامَ*؛ (۵) پیغمبر، امام بود؛ امام به آن معنا [مد نظر است].



خب اینکه یک مقام والا و عالی است و انصافاً فهم آن هم از دسترس ما خارج است؛ حالا غیر از خود معصومین (علیهم السلام)، نخبگان و بزرگانی بوده‌اند که به مفاهیم عالی امامت دست پیدا کرده‌اند؛ شاید در زمان خود ما هم کسانی باشند، قبل از ما هم کسانی بوده‌اند که ما دورادور اسم اینها را شنیده‌ایم یا آثارشان را دیده‌ایم؛ [مثل] مرحوم حاج میرزا جوادآقای ملکی تبریزی که تقریباً حدود صد سال قبل از دنیا رفته‌اند، در کتاب مراقبات راجع به امیرالمؤمنین و همین مقام امامت مطالبی را بیان میکنند؛ که ما دستمان به این چیزها نمیرسد.

شخصیت بی‌نظیر امیرالمؤمنین (ع) از نظر معیارهای دنیایی

با قطع نظر از بسیار مهم، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر حسب معیارهای دنیایی و بسیار معنوی بسیار مهم، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر حسب معیارهای دنیایی و بشری و بشری شخصیت بی‌نظیر است؛ بعد از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شاید هیچ کس دیگر را نشود نشان داد با این خصوصیات که در امیرالمؤمنین است؛ لذاست شما می‌بینید که به امیرالمؤمنین، پیروانش و غیر پیروانش ارادت دارند، از غیر شیعه، غیر مسلمان، غیر متدین به هیچ دین و مانند اینها، کسان زیادی دوست میدارند [ایشان را]؛ آنهایی که حالا شناخته‌اند و اطلاعی از مفاهیم مربوط به این بزرگوار دارند، به آن حضرت ارادت دارند، آن حضرت را دوست دارند [که این] به خاطر خصوصیات است که در این بزرگوار وجود داشته، که البته در این خصوصیات، آنهایی که چشمگیرتر است، در درجه اول عدالت آن بزرگوار است؛ آن عدالت بی‌اغماض و گسترده و بدون هیچ ملاحظه؛ این عدالت عجیب و غریب که انسان واقعاً از شنیدن موارد این عدالت حیرت میکند؛ یا آن زهد و بی‌اعتنائی به دنیا برای شخص خود؛ این بزرگوار دنیا را آباد میکرد، مردم را به رشد و ترقی مادی و معنوی میرساند اما برای خودش هیچ چیزی نمیخواست که آنچه از ایشان نقل شده واقعاً حیرت‌آور است؛ یا شجاعت آن بزرگوار، دل رحیم آن بزرگوار نسبت به ضعیفان، عزم راسخ آن بزرگوار نسبت به زورگویان و ستمگران و مستکبران، فداکاری او در راه حق، دریای حکمت او - گفتار او دریای حکمت، رفتار او کوه استوار - واقعاً یک چیزهای عجیبی در زندگی این بزرگوار وجود دارد و این صفات عجیب و غریب [در او] جمع شده که دشمنان ایشان هم به آنها اعتراف کرده‌اند که حالا مجال نیست که من بگویم. [مثلاً] عروة بن زبیر به پسر خودش که از حضرت بدگویی کرد، یک جمله‌ای گفت که حیرت‌آور و تعجب‌آور است؛ گفت: «او را خدا بزرگ کرده و هر کار بکنند، اعتلای او و رشد او بیشتر خواهد شد»؛ در حالی که خانواده‌ی زبیر، بخصوص فرزندان عبدالله بن زبیر، اصلاً کلاً با امیرالمؤمنین بد بودند. خب این مربوط به این بزرگوار است و در همه‌ی این خصوصیات هم این بزرگوار در اوج کمال است؛ یعنی این خصوصیات در ایشان، در منتهای فراوانی و درخشان بودن وجود دارد؛ و اینها است که بایستی ما الگو قرار بدهیم.

تلاش برای پیشرفت و پیروی از خصوصیات شخصی امیرالمؤمنین (ع)

البته ما خیلی در این زمینه‌ها عقبیم؛ هم از لحاظ شخصی باید در این خصوصیات به این بزرگوار اقتدا کرد و از ایشان پیروی کرد، هم در آداب حکومت کردن. خب امروز حکومت دست پیروان امیرالمؤمنین است؛ ما بایستی همین شیوه را، همین روش را، همین خصوصیات را، همین عدالت را، همین شجاعت را، همین زهد را در عمل خودمان، در رفتار خودمان رعایت کنیم که البته ماها خیلی عقبیم؛ بایستی سعی کنیم، تلاش کنیم تا در این زمینه‌ها خودمان را به جلو ببریم.

نمونه‌ای از فداکاری و شوق امیرالمؤمنین (ع) به شهادت

خب چون روز نوزدهم و روز ضربت خوردن این بزرگوار است، یک جمله‌ای را من در باب فداکاری این حضرت و شوق



ایشان به شهادت عرض میکنم؛ این در نهج البلاغه است؛ خطبه‌ی ۱۵۶ نهج البلاغه. حضرت میفرماید وقتی که آیه‌ی «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (۶) وارد شد و بحث فتنه مطرح شد، من فهمیدم که تا پیغمبر در میان ما هست، این فتنه رخ نخواهد داد، این فتنه مال بعد از پیغمبر است؛ با پیغمبر صحبت کردم، از ایشان سؤال کردم، ایشان هم بیاناتی دارند که حالا در آن خطبه بیانات پیغمبر ذکر شده. وقتی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) این مطالب را برای امیرالمؤمنین، شاگرد برگزیده‌ی خود، بیان میکنند، ظاهراً آن شور و شوق احساس تکلیف و احساس مسئولیت در حضرت به هیجان می‌آید، یک جمله‌ای را با پیغمبر صحبت میکنند که من آن را برای شما میخوانم. فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ لَيْسَ قَدْ قُلْتَ لِي يَوْمَ أُحُدٍ حِينَ اسْتَشْهَدَ مَنْ اسْتَشْهَدَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ حَيْرَتٌ عَنِّي الشَّهَادَةُ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيَّ فَقُلْتَ لِي أَبْشِرْ فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ؛ میگوید من به پیغمبر عرض کردم -حالا با زبان ما- که یا رسول الله! یادتان هست در روز اُحد وقتی که حمزه به شهادت رسید، دوستانمان عده‌ای به شهادت رسیدند و من با آن همه جراحتی که بر من وارد شده بود شهید نشدم، خیلی این بر من سخت آمد که من عقب ماندم و شهید نشدم، شما توجه کردید، به من فرمودید که علی جان! مژده، تو هم شهید خواهی شد؛ یادتان هست؟ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيَّ فَقُلْتَ لِي أَبْشِرْ فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ؛ آن روز شما به من فرمودید که بشارت باد بر تو علی جان! شهادت در پی تو است و تو شهید خواهی شد. حالا کأنته حضرت سؤال میکنند که خب حالا چند سال گذشته، پس چرا من شهید نشدم. فَقَالَ لِي إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ؛ پیغمبر در جواب این مطلب فرمود که علی جان! همین درست است، تو شهید خواهی شد. بعد فرمود: فَكَيْفَ صَبْرِكَ إِذَا؟ حالا که سرنوشت تو شهادت است، صبر تو بر شهادت چگونه خواهد بود؟ خب شهادت در میدان جنگ چیز دشواری نیست؛ مثلاً فرض کنید که آن روز انسان یک نیزه‌ای یا شمشیری میخورد، امروز یک گلوله‌ای میخورد، به شهادت میرسد؛ چیز مهمی نیست. شهادت در میدانهای مبارزات بزرگ بعدی که انسان سختی‌هایی را تحمل میکند، خیلی مهم است. امیرالمؤمنین بعد از یک دوران دشوار به شهادت رسیدند، آن هم در محراب و با آن کیفیت دشوار. لذا پیغمبر فرمودند: فَكَيْفَ صَبْرِكَ إِذَا؟ وقتی شهادت نصیب بشود، چه جوری صبر خواهی کرد بر شهادت؟ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ هَذَا مِنْ مَوَاطِنِ الصَّبْرِ؛ این جای صبر نیست؛ صبر بر امر تلخ است، بر امر نامطلوب انسان صبر میکند. وَ لَكِنْ مِنْ مَوَاطِنِ الْبُشْرَى وَ الشُّكْرِ؛ این از جاهایی است که انسان باید برای آن به خودش مژده دهد و شکر کند خدا را. این طلب شهادت خصوصیت امیرالمؤمنین است و حضرت مثل دیشبی به این مقصود رسیدند، آن وقتی که فریادی بلند شد که «تَهْدَمَتِ وَ اللَّهُ أَرْكَانُ الْهُدَى وَ قَتِيلَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى»؛ (۷) این شهادت، از ضربتی که از آن، شهادت حاصل شد، دیشب برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیش آمد؛ صلوات الله علیه.

وجود نمونه‌هایی از اقتداکنندگان به امیرالمؤمنین (ع) در زمان حاضر خب، خدا را شکر که مردان فداکاری در زمان ما هستند و بودند و دیدیم کسان زیادی را که در این جهت به امیرالمؤمنین اقتدا کردند و [از او] پیروی کردند؛ عاشق شهادت بودند، دنبال شهادت بودند، آرزوی شهادت داشتند و خدای متعال نصیب کرد شهادت را. شهید سلیمانی را دشمنان تهدید کرده بودند که تو را به قتل خواهیم رساند؛ این بزرگوار به دوستانش گفته بود که اینها تهدید میکنند من را به چیزی که دارم در کوه و بیابان و پست و بلند دنبالش میگردم؛ من را به آن تهدید میکنند! خب خداوند ان شاء الله ما را پیرو این راه قرار بدهد؛ ما را جزو برخورداران از این مزیت بزرگ ان شاء الله قرار بدهد.

ویژگی‌های بارز و مهم شهید مطهری: (۱) تولید و نشر فکر در کنار تسلط به مسائل فکری
اما روز معلّم. روز معلّم در جمهوری اسلامی برابر است با روز شهادت معلّم بزرگ مرحوم شهید مطهری (رضوان الله



تعالی علیه). خصوصیتی در شهید مطهری هست که این خصوصیت را همه‌ی معلمین - چه معلمین حوزه‌های علمیّه، چه معلمین دانشگاه‌ها، چه معلمین مدارس و آموزش و پرورش - بایستی واقعاً الگو قرار بدهند و برای آنها باید الگو باشد. خب مرحوم شهید مطهری، مرد دانشمندی بود، مرد متفکری بود، واقعاً عالم بود، فیلسوف بود، فقیه بود، به مسائل فکری تسلط کامل داشت؛ این خصوصیات در این بزرگوار بود لکن آن خصوصیت خیلی مهم و ویژگی ایشان این بود که هم تولید فکر میکرد، هم نشر فکر میکرد؛ نشر فکر خیلی مهم است. این بزرگوار آرام نمی‌نشست، آرام و قرار نداشت؛ ما دیده بودیم؛ ایشان دائم در فکر بود، دائم دغدغه داشت که فکر درست را، فکر متقن و عمقی را بین مخاطبان خود نشر بدهد؛ و یک جهاد نرم‌افزاری به تمام معنا را ایشان در طول سالیان متمادی شروع کرده بود؛ با امواج مهاجم روبه‌رو میشد و سینه‌به‌سینه میشد و با آنها برخورد میکرد و بر آنها غلبه پیدا میکرد. مسئله هم برای او فقط امواج فکری مارکسیستی و شرقی نبود؛ چه شرقی، چه غربی؛ چه تفکرات مارکسیستی، چه تفکرات لیبرالیستی رایج در غرب؛ با همه‌ی اینها مواجه میشد. انسان کتابهای آن بزرگوار را که نگاه کند [مشاهده میکند]؛ خب ما از نزدیک هم شاهد فعالیت ایشان بودیم.

۲) هدایت مخاطب، نزدیک کردن ظرفیتهای فکری و علمی به نیازهای جامعه مخاطب خودش را هدایت میکرد و به مخاطب خودش در مسیر فکر درست، طمأنینه و آرامش و اطمینان میبخشید. شهید مطهری مسئولیت‌شناس بود، تکلیف‌گرا بود، واقعاً دغدغهای تکلیف داشت. هرگز بیکار نماند؛ میراث علمی پیشینیان در اختیارش بود، خود او هم اندوخته‌های فراوانی را بر آن افزوده بود، و همه‌ی اینها را در اختیار مخاطبانش میگذاشت؛ چه در کلاس‌های درس در دانشگاه و در برهه‌ای از زمان در حوزه - حوزه‌ی قم که میرفت؛ خب در حوزه‌ی قم کلاس‌های درس داشت - و چه در نوشته‌جات و چه در سخنرانی‌هایی که در دیدارهای دانشگاهی و دانشجویی فراوان متعدد و دیدارهای گوناگون، ایشان سخنرانی کرده بود. به هر حال وضع فکری و وضع عملی این بزرگوار این بود؛ و اینها را به نسل بعد منتقل میکرد. و مهم این بود که همه‌ی ظرفیتهای حوزه‌ی فکر را و حوزه‌ی علم را به مرحله‌ی مورد نیاز و نیازهای جامعه نزدیک میکرد و میکشاند؛ یعنی اولویتهای جامعه معیار تلاش او بود؛ نگاه میکرد اولویتهای فکری جامعه را پیدا میکرد و خوب می‌شناخت و انصافاً خوب تشخیص میداد و همه‌ی این ظرفیت فکری را میکشاند به سمت این اولویتهای.

انتقال اندوخته‌های علمی به نسل بعد و صیانت از فکر مخاطب؛ مسئولیت سنگین معلمان خب جامعه‌ی ارزشمند معلمین عزیز ما این را باید چهارچوب کار خودشان قرار بدهند. کار معلم، انتقال اندوخته‌های علمی و میراث علمی بشر به نسل بعد است. بایستی اینها را با امانت تمام، با توانایی و مهارت تمام به نسل بعد منتقل کند و آماده کند مخاطبان خودش را، شاگردان خودش را برای اینکه اهل فکر بار بیایند و بر این اندوخته‌ها بیفزایند؛ این جزو کارهای مهم معلم است؛ این مسئولیت سنگینی است و احساس مسئولیت زیادی نیاز دارد؛ باید دغدغهای معلم این باشد. همچنین معلمین توجه داشته باشند و این هم یکی از مسئولیتهای مهم معلمین است که باید از فکر مخاطب خودشان - دانشجوی و دانش‌آموز و جوان و طلبه و غیره - صیانت کنند؛ همچنان که شهید مطهری این کار را میکرد.

معلمان؛ افسران سپاه پیشرفت کشور و لزوم باور این نقش از سوی خود آنها خب، خوشبختانه امروز در کشور ما امکان آموزش به صورت خیلی گسترده‌ای وجود دارد. در گذشته حتماً این مقدار امکان آموزش در سرتاسر کشور برای جوانها و نوجوانها و کودکانها حتی فراهم نبوده که امروز به برکت انقلاب



اسلامی، به برکت جمهوری اسلامی این امکان در اختیار است. این امکان در اختیار معلمان است و خود معلمان عزیز ما هم یک بخش مهمی از همین امکاناتند؛ یعنی واقعاً امکان آموزش با افزایش تعداد معلمان، سواد بالای آنها و آمادگی‌های آنها، یک غنائی بحمدالله پیدا کرده. بنابراین میتوانیم این جور بگوییم که معلمان، افسران سپاه پیشرفت کشورند. اگر حرکت عمومی پیشرفت کشور را به حرکت یک سپاه بخواهیم تشبیه بکنیم، افسران جوان این مجموعه عبارتند از معلمان عزیز؛ و خود آنها باید این نقش را باور کنند. حالا من گفتم معلمان جوان؛ به خاطر اینکه تعداد زیادی از معلمان ما امروز جوانها هستند و الا معلمان سالخورده و زحمت کشیده و کارکرده‌ای هم وجود دارند که سالیان درازی تلاش کرده‌اند و دل از معلمی نمیکنند. از بس برای معلمی اهمیت قائلند، دل نمیکنند و همین طور مشغول کار هستند، حتی در دوران سالخوردگی. بالاخره خود معلمان بایستی این نقش حیاتی و مهم را باور کنند. وقتی باور کردند، طبعاً به همان صورت احساس مسئولیت میکنند.

لزوم جهاد مستمر و دائمی معلمان برای مواجهه با تهاجم فکری دشمنان علیه جوانان یک روی دیگر این صفحه هم این است که در کشور ما در کمتر زمانی جوانها و نوجوان‌های ما این جور مورد تهدید و تهاجم فکری و اخلاقی قرار داشتند. البته در دوران حکومت پهلوی، این تهاجم از سوی خود مسئولین کشور به وجود می‌آمد [اما] امروز از سوی بیگانگان، از سوی دشمنان، از سوی منحرفین این تهاجم وجود دارد. خب معلمان ما از آن طرف با آن ظرفیت عظیم مواجهند، از این طرف با این تهاجم همه‌جانبه مواجهند؛ بایستی بین این دو، یک جهاد مستمر دائمی واقعی را بر عهده بگیرند و به معنای واقعی، مجاهدت کنند. باید کاری کنند که ریزشها نزدیک به صفر بشود و رویشها در حداکثر قرار بگیرد.

مسئولیت بخشهای مختلف در قبال معلمان و معرفی جایگاه والای آنها البته دیگران هم در قبال جامعه معلمان واقعاً مکلفند. همه مکلفیم در قبال جامعه معلمان، مسئولیتهای سنگین داریم. مسئله اصلی هم بالا بردن شأن معلمی است. بنده در صحبت‌های متعدد روی این موضوع تکیه کرده‌ام، باز هم تکیه میکنم که شأن معلمی بالا است؛ این را بایستی به همه تفهیم کنیم، و این باید به فرهنگ عمومی تبدیل بشود. در مورد کارگر هم عین همین قضیه وجود دارد و عرض خواهم کرد. شأن معلمی بایستی شناخته بشود؛ معلمی یک کار بسیار بزرگ، کار بسیار مهم و کار بسیار باارزشی است. خود آموزش و پرورش باید نقش ایفا کند، رسانه‌ها باید نقش ایفا کنند؛ دستگاه‌های فرهنگی، دستگاه‌های تبلیغی باید نقش ایفا کنند و هدف همه‌ی اینها این باشد که جایگاه والای معلم را به مردم معرفی کنند. البته گشودن گره‌های معیشتی هم یک کار بسیار لازم و مهمی است که بایستی انجام بگیرد، که این عمدتاً بر عهده‌ی دولت و بر عهده‌ی مجلس شورای اسلامی است.

نقش برجسته‌ی معلمان و مادران در دوران بیماری کرونا جا دارد که من در پایان این بخش از عرایضم، از نقش ستودنی معلمان در این دوران گرفتاری همه‌گیر و بیماری همه‌گیر یاد کنم که خدمات آموزشی را تعطیل نکردند و از راه دور، بهترین خدمات را ارائه دادند و زحمات معلمان در مواردی مضاعف شد؛ یعنی واقعاً سختی‌های این کار را - که این کار یک سختی‌هایی مخصوص خودش دارد - تحمل کردند؛ باید از آنها تشکر کنیم. خانواده‌ها هم انصافاً کمک کردند؛ مخصوصاً مادران، و بنده صمیمانه از مادران دانش‌آموزان تشکر میکنم. این راجع به عزیزان معلم.



و اما راجع به مسئله‌ی روز کارگر. خب ما سال گذشته در روز کارگر برنامه‌ی خوبی داشتیم؛ برنامه‌ی دورادور بود لکن با مراکز متعدّد کارگاهی و کارگری ارتباط تصویری پیدا شد؛ هم با کارگران و هم با کارآفرینان صحبت کردیم؛ حرفهای آنها را شنیدیم و مطالبی به آنها گفتیم. دیدار سال گذشته‌ی ما دیدار بسیار خوب و به‌یادماندنی‌ای بود. امسال متأسفانه به خاطر رواج اخیر این ویروس منحوس، امکان این [برنامه] هم پیدا نشد؛ یعنی ممکن نشد که کارگران در یک جایی مجتمع بشوند و با آنها ولو از دور صحبت بکنیم. و این طور که می‌گویند، خطر این نوع تبعه‌ی (۸) انگلیسی این ویروس هم از بقیه‌ی انواع ظاهراً بیشتر است!

خب درباره‌ی کارگر یک مسئله این است که ببینیم شأن کارگر چیست؛ یک مسئله این است که درباره‌ی حمایت از کارگران مطالبی عرض کنیم؛ یک مسئله هم، مسئله‌ی ایجاد کار، ایجاد اشتغال و کار در این باره است؛ دو سه جمله درباره‌ی هر کدام عرض می‌کنیم.

کارگران؛ ستون اصلی تولید و اقتصاد کشور

اما در مورد تمجید از کارگر، همین بس که دست کارگر، دستی است که خدای متعال و پیغمبر او این دست را دوست دارند. پیغمبر خدا دست کارگر را بوسید؛ برای ارزش کارگر همین اندازه بس است. جامعه‌ی کارگری حقّ بزرگی به گردن همه‌ی افراد جامعه دارد؛ چون در یک اقتصاد مستقل که تولیدمحور است و می‌خواهد روی پای خودش بایستد و

و ی به این و

نیست و در مسائل اساسی اقتصاد، تکیه‌ی به خارج از کشور ندارد، در یک چنین اقتصادی، کارگر عمده و اصلی را ایفا میکند؛ یکی از مهم‌ترین نقشها را کارگر ایفا میکند و ستون اصلی است. اقتصاد مستقل، وابسته‌ی به تولید داخلی است، تولید داخلی هم وابسته‌ی به کارگر است، بنابراین کارگر یک ستون اصلی است. این نقش هم از آن نقشهایی است که مردم بایستی به آن توجه بکنند و به فرهنگ عمومی باید تبدیل بشود. همین طور که در مورد معلّمین گفتیم، در این زمینه‌ها هم بایستی رسانه‌ها، دستگاه‌های فرهنگی، دستگاه‌های تبلیغی کار کنند.

حقّ بزرگ کارگران در جمهوری اسلامی

البته در جمهوری اسلامی حقّ کارگران بیش از جاهای دیگر است؛ علت هم این است که در جمهوری اسلامی از اوّل تشکیل این نظام، دشمنان و بیگانگان و بدخواهان تلاش کردند جامعه‌ی کارگری را در مقابل جمهوری اسلامی قرار بدهند؛ خیلی وسوسه کردند، و جامعه‌ی کارگری محکم ایستاد، در خدمت نظام ایستاد، در کنار نظام ایستاد، در دفاع مقدّس به معنای واقعی کلمه حضور پیدا کرد، و این حقّ بزرگ را هم اینها بر جمهوری اسلامی دارند؛ و عده‌ای از کارگران عزیز ما جان خودشان را در دفاع مقدّس فدا کردند.

حمایت از کارگران و آثار و برکات آن

اما مسئله‌ی حمایت از کارگران، مسئله‌ی بسیار مهمّی است و من روی این هم در صحبتهایی که درباره‌ی کارگران کرده‌ام، همیشه تکیه کرده‌ام و امروز هم تکیه می‌کنم. شعار امسال ما این بود: «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع زدایی‌ها»؛ (۹) خب، یکی از مهم‌ترین انواع پشتیبانی از تولید، پشتیبانی از کارگران و حمایت از کارگران است؛ اگر می‌خواهیم از تولید داخلی کشور، تولید ملی کشور حمایت کنیم، باید از کارگران حمایت بکنیم؛ این یک قلم مهم از پشتیبانی است. البته این را هم توجه داشته باشیم که حمایت از کارگر، در واقع حمایت از ثروت ملی است؛ یعنی



اگر کارگر یک کشور فعال باشد، بانشاط باشد، خوب کار کند، این کشور به ثروت ملی میرسد و این ثروت ملی برای او آبرو درست میکند، این ثروت ملی برای او اقتدار به وجود می‌آورد؛ بنابراین کارگران، استقلال هم برای کشور می‌آورند، قدرت هم می‌آورند، آبرو هم می‌آورند؛ اگر شما از کارگر حمایت کردید، اینها آثار و برکات آن است.

انواع حمایت از کارگران: (۱) مهارت‌آموزی

البته حمایت از کارگر که می‌گوییم فقط این نیست که مثلاً هر سالی یا هر دو سالی، پایه‌ی حقوقی اینها را به تناسب تورم بالا ببریم؛ این یک نوع از حمایت است؛ لکن حمایت‌های دیگری هم وجود دارد که بایستی به آنها توجه کرد. یکی عبارت است از مسئله‌ی مهارت‌آموزی کارگران؛ باید برنامه‌ریزی وسیعی صورت بگیرد برای اینکه ما به کارگرانمان - چه کارگر صنعتی، چه کارگر کشاورزی و انواع کارگرها - مهارت بیاموزیم و سطح مهارتشان را بالا ببریم، سطح تخصصشان را بالا ببریم که این، هم برای خود آنها فوق‌العاده نافع است، هم به کار کیفیت می‌دهد و کار را باارزش می‌کند؛ این یک جور پشتیبانی است.

(۲) بیمه و بهداشت و درمان

مسئله‌ی بیمه و بهداشت و درمان هم یک مسئله‌ی مهمی است در حمایت [آنها]؛ بیمه‌ی کارگران و بهداشت و درمانشان لازم است که البته در بعضی از بنگاه‌های مردمی این [موضوع] به طور خوبی رعایت میشود؛ باید همه رعایت کنند و بایستی این یکی از مسائل اصلی بحث کارگری محسوب بشود.

(۳) امنیت شغلی

مسئله‌ی امنیت شغلی و ضمانت حفظ کار هم یکی از انواع حمایتها است؛ یعنی کارگر باید دغدغه نداشته باشد که این کارش میماند یا از او میگیرند. یکی از دلایل مهمی که ما روی تعطیلی کارخانه‌جات این قدر حساسیم، به خاطر همین است - که حالا من بعد در این زمینه‌ها یک جمله‌ای اشاره خواهم کرد - کارگر باید امنیت شغلی داشته باشد و بداند که کار او و شغل او تضمین شده است.

(۴) مسکن

یک موضوع دیگر، مسکن کارگران است که مهم است. امروز بخش مهمی از درآمد کارگران صرف اجاره‌ی مسکن میشود؛ برای مسکن کارگران باید فکر اساسی کرد. البته من شنیدم که امسال مجلس شورای اسلامی این را در بودجه گنجانده‌اند که اگر چنانچه ان شاءالله همین جور باشد و بخوبی عمل بشود و تحقق پیدا کند، کمک بزرگی است.

(۵) ایجاد رابطه‌ی منطقی و عادلانه میان کارگر، کارفرما و دولت

یک حمایت دیگر به طور کلی ایجاد روابط منطقی و عادلانه میان کارگر و کارآفرین و دولت است؛ ایجاد یک روابط عادلانه که این هم حمایت از کارگران است؛ و این البته جزو مسئولیتهای وزارت کار است که باید در این زمینه‌ها کار کنند.

یک موضوع مهم دیگر که در باب کار و کارگر بایستی به آن پرداخت، موضوع تولید اشتغال و تولید کار است که این هم موضوع مهم دیگری است که اگر دولتها برنامه‌ریزی درستی در مورد ایجاد اشتغال داشته باشند و این برنامه‌ریزی



را با دقت و با انضباط دنبال بکنند و از امکانات و ظرفیتهای کشور و ظرفیتهای بخش خصوصی برای ایجاد اشتغال استفاده بکنند، به نظر ما این کمک بزرگی به اقتصاد کشور و به پیشرفت کشور خواهد کرد و سلامت اقتصاد کشور و رشد اقتصادی وابسته‌ی به این [موضوع] است.

برکات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایجاد اشتغال، و تبعات منفی بیکاری من می‌خواهم این را عرض بکنم که ایجاد اشتغال فقط برکات اقتصادی ندارد، بلکه برکات اجتماعی هم دارد، برکات سیاسی هم دارد. خود کار و اشتغال برای مردم و بخصوص برای نسل جوان، مایه‌ی نشاط و تحرک و شوق و زنده بودن و سرحال بودن است. شما ببینید کارگری یا کارآفرینی که میتواند کار بکند و تلاش میکند و کار میکند و کارش موفق است، چطور سرحال و بانشاط است! نقطه‌ی مقابل: بیکاری بستر فساد است، بستر بدبینی و بدگویی است، بستر اعتیاد است، بستر انحرافات اخلاقی است، حتی بستر انحرافات امنیتی است. بنابراین، مسئله‌ی کار صرفاً یک مسئله‌ی مربوط به اقتصاد نیست؛ ایجاد اشتغال، ایجاد کار، یک مسئله‌ی همه‌جانبه و چندجانبه است و خیلی مهم است. دولت‌ها بایستی یکی از برنامه‌های مهم‌شان را این قرار بدهند که چگونه ایجاد اشتغال کنند؛ این برنامه‌ها را باید داشته باشند؛ اینها مورد توقع مسائل اقتصادی است.

تعطیلی کارخانه‌ها، ضربه به تولید و خیانت به استقلال کشور آن وقت در اینجا من باید یک هشدار بدهم به آن کسانی که موجب شدند کارخانه‌ها به تعطیل کشانده بشود. متأسفانه کارخانه‌های متعددی به تعطیل کشانده شده‌اند که ما گزارشهای بعضی‌هایش را دیده بودیم، از بعضی‌ها هم حالا داریم بیشتر مطلع میشویم. کسانی که خاطر منافع خودشان کارخانه را به یک شکلی میگیرند، بعد برای اینکه از زمین آن کارخانه استفاده کنند، کارگر را به یک شکلی اخراج میکنند و ابزار کارخانه و آلات کارخانه را به پول تبدیل میکنند، بعد هم زمین را نگه میدارند تا در فرصت مناسبی تبدیل کنند به ساختمان و ارزش افزوده‌ی باطل و حرامی را برای خودشان در این زمینه به دست بیاورند، چه بدانند و چه ندانند، این در واقع یک خیانت است. بعضی‌ها قصد خیانت ندارند و فقط قصد منافع شخصی خودشان را دارند، اما این خیانت است؛ خیانت به استقلال کشور است، خیانت به اقتصاد کشور است، خیانت به مردم است و خیانت به کارگران است؛ این ضربه‌ی به تولید است. وقتی که کارگر بیکار شد و کارخانه از کار افتاد، محصول آن کارخانه بایستی از خارج وارد بشود؛ آن وقت همین مشکلاتی که ما امروز در واردات داریم پیش می‌آید؛ علاوه بر اینکه منابع مالی کشور و منابع ارزی کشور باید برود خارج، با مشکلات تحریم و این حرفهایی که هست مواجه خواهیم شد. این [مسئله] هم به خاطر آن است که سرمایه‌ی اصلی کشور را که سرمایه‌ی تولید است، بعضی‌ها تعطیل میکنند.

بیکاری کارگران، ظلم به شاغلین

و علاوه‌ی بر این، وقتی یک عده‌ی زیادی از کارگران بیکار شدند، به آن کسانی هم که شاغلند ظلم میشود؛ چون عرضه‌ی کارگر وقتی زیاد شد، به طور طبیعی ارزش کار او پایین می‌آید؛ وقتی بیکار زیاد شد، آن کسی هم که شاغل است به قدر استحقاقش استفاده نمیکند. بنابراین، اینها خیلی مهم است. دستگاه‌های ذی‌ربط باید بجد فکر کنند. در دولت، دستگاه‌های ذی‌ربط در این قضیه عمدتاً وزارت صنایع، وزارت کشاورزی و این وزارت‌هایی که کار تولید میکنند، اینها هستند و بایستی نقش ایفا کنند. البته ابعاد این موضوع از اینها وسیع‌تر است؛ حالا من یک مختصری بیان کردم. یکی از برنامه‌های اصلی اقتصاد کشور این است و بایستی با کسانی که دستگاه‌های موجود را به هر نحوی به تعطیلی میکشاند، واقعاً برخورد بشود.



فعال شدن کارگاه‌های کوچک و متوسط در سطح کشور، یکی از راه‌های تولید ثروت و ایجاد اشتغال و یکی از چیزهایی هم که من قبلاً هم سفارش کرده‌ام - که این البته اظهار نظر کارشناسان اقتصادی است؛ ما از آنها شنیدیم، از آنها یاد گرفتیم - [این است] که کارگاه‌های متوسط و کوچک در سطح کشور باید فعال بشوند؛ البته این کارگاه‌های بزرگ مهمند برای کشور، اما گسترش کارگاه‌های کوچک و متوسط که برای همه‌جا و برای همه فایده دارد، هم تولید ثروت است برای عموم، برای طبقه‌ی متوسط، برای طبقه‌ی ضعیف، هم ایجاد اشتغال است در همه‌ی جوانب کشور و نواحی کشور که هزاران مورد را در سراسر کشور شامل می‌شود؛ بایستی اینها را زنده کنند.

تقویت واقعی تولید ملی؛ موفق‌ترین راه برای خنثی کردن و رفع تحریمها آخرین مطلب هم در مورد مسائل مربوط به کارگری این است که [چون] این روزها چون صحبت تحریم و تحریمها و مانند اینها است - البته مدتها است و چند سال است که بحث تحریمها مطرح است، این روزها هم مطرح است - به نظر ما بهترین و موفق‌ترین کار برای خنثی کردن تحریمها همین تلاش واقعی - نه تلاش شعاری؛ تلاش واقعی - برای تقویت تولید ملی است. اگر ما توانستیم تولید ملی را درست تقویت کنیم، به معنای واقعی کلمه تقویت کردیم و دنبال کردیم، با برنامه‌ریزی، با پیگیری این را دنبال کردیم، مطمئن باشید که تحریمها اول خنثی میشوند، بعد هم برطرف میشوند؛ یعنی طرف مقابل وقتی دید که کشور از تحریم ضربه نخورد و زنده شد و تلاش درونی او بیشتر شد، خودش ناگزیر میشود که تحریم را بردارد. خب این مطالب تمام شد.

انتخابات؛ فرصتی بی‌نظیر برای استحکام پایه‌های کشور یک جمله درباره‌ی انتخابات و مسائل پیرامون انتخابات عرض بکنم. دو مطلب را میخواهیم عرض کنیم: یکی اینکه انتخابات به معنای واقعی کلمه یک فرصت مهم است و نباید مردم را دلسرد کرد از انتخابات؛ این یک مطلب یک مطلب دیگر هم این است که انتخابات را با حرفهای بیهوده و وعده‌های فریبنده و بدون پشتوانه نباید خراب کرد. به معنای واقعی کلمه کسانی که مایلند در این کارزار انتخاباتی وارد بشوند، فکر کنند، به معنای حقیقی کلمه کار ارائه بدهند به مردم.

در مورد مطلب اول، خب انتخابات انصافاً یک فرصت بی‌نظیر است؛ یعنی یک فرصت بی‌بدیلی است؛ هیچ چیز دیگری جای انتخابات را برای کشور و استحکام پایه‌های اقتدار کشور نمیگیرد. انتخابات حضور مردم است و وقتی مردم حاضر باشند، نظام را هیچ قدرتی نمیتواند تکان بدهد. مظهر مهم حضور مردم هم انتخابات است. بنابراین کسانی که در انتخابات شرکت میکنند، در واقع برای اقتدار کشورشان، برای حفظ کشورشان، برای امنیت خودشان و آینده‌ی کشور و سرنوشت کشور دارند تلاش میکنند.

برگزاری انتخابات سالم در طول جمهوری اسلامی

یک عده‌ای مردم را دلسرد میکنند با خدشه کردن در انتخابات، خدشه کردن در نوع دست‌اندرکارانی که در انتخابات هستند، چه شورای محترم نگهبان، چه دیگر دستگاه‌ها؛ در کار اینها خدشه میکنند؛ این غلط است. ما از اول انقلاب تا امروز که خب انتخابات‌های فراوانی داشتیم - ده‌ها انتخابات انجام گرفته - این انتخابات همه سالم انجام گرفته؛ ممکن است یک تخلفات کوچکی در گوشه و کنار شده باشد - و در بعضی از موارد شده - اما در نتایج انتخابات هیچ تأثیری نداشته. چون بنده مسئله را دنبال کردم؛ در یک مواردی شکایت کردند، ما دنبال کردیم مسائل را - یعنی یک



جاهایی بود که شکایت شده بود که این تخلفات انجام گرفته، پیگیری کردیم، بررسی کردیم، تحقیق جدی کردیم از نزدیک- هرگز تخلفی که خلاف امانت باشد یا در نتیجه‌ی انتخابات تأثیر داشته باشد، مطلقاً در انتخابات‌های ما اتفاق نیفتاده؛ انتخابات‌های ما سالم و همراه با امانت و سلامت بوده است. این مطلب اول.

لزوم پرهیز از بی‌انصافی نسبت به برگزاری انتخابات

البته بعضی‌ها هستند انتخابات را وقتی قبول دارند که نتیجه‌ی انتخابات همان چیزی باشد که آنها میخواهند! اگر آن مطلوب آنها از انتخابات درآمد، انتخابات را سالم میدانند و قبول میکنند؛ و اگر چنانچه مطلوب آنها درنیامد، انتخابات را متهم میکنند و کسانی را که انتخابات را برگزار کردند- در هر بخشی [باشند]- متهم میکنند؛ گاهی هم مثل سال ۸۸ اغتشاش راه می‌اندازند، که البته آن متهم کردن‌ها بی‌انصافی است، آن اغتشاش ایجاد کردن‌ها جرم است. بعضی این جور هستند. این غلط است، یعنی نبایستی این کار را انجام داد. بنابراین این یک مسئله است.

لزوم ارائه‌ی برنامه و پرهیز از اظهارات بدون پشتوانه از سوی داوطلبان انتخابات

مسئله‌ی بعد این است که بعضی از کسانی که وارد میدان انتخابات میشوند اظهاراتی میکنند که این اظهارات، اظهارات خوبی نیست، حرفهای فریبنده است، حرفهایی است که هیچ پشتوانه‌ی فکری و پشتوانه‌ی برنامه‌ای ندارد؛ همین طوری یک چیزی ادعا میکنند، یک چیزی میگویند، بدون اینکه امکانات کشور را در نظر بگیرند یا حتی بدانند. خیلی از برادران که در این میدان وارد میشوند، از بسیاری از ظرفیتهای کشور شاید خیلی مطلع هم نباشند؛ بدون اینکه حالا محاسبه‌ی درستی شده باشد، یک چیزی میگویند، یک حرفی میزنند، یک وعده‌ای میدهند. اینها خوب نیست، بایستی برنامه ارائه بشود به معنی واقعی کلمه؛ بایستی جوری باشد که کارشناسان وقتی نگاه میکنند به حرف زدن کسی که داوطلب است و حرف میزند با مردم، در دلشان تصدیق کنند که این حرف، حرف متقن و خوبی است.

لزوم پایبندی داوطلبان انتخابات به قانون اساسی

بعضی اوقات هم حرفهایی از بعضی صادر میشود که نشان‌دهنده‌ی این است که اساس قانون اساسی را کأته قبول ندارند. خب کسی که میخواهد وارد میدان ریاست جمهوری بشود و داوطلب نشستن بر مسند ریاست جمهوری کشور است، بایستی به اسلام معتقد باشد، به رأی مردم معتقد باشد، به قانون اساسی معتقد باشد؛ اینها را بایستی اعتقاد داشته باشد و الا [اگر] نداشته باشد که خب شایسته‌ی این معنا نیست. حرفهایی گاهی شنیده میشود که متناسب با این وظیفه‌ی مهم نیست؛ این را ما درخواست داریم و جدّاً مطالبه میکنیم که رعایت کنند.

اهمیت مراقبت مسئولین از تکرار سخنان دشمنان

البته از بعضی از مسئولین کشور هم این روزها حرفهایی شنیده شد که برای انسان مایه‌ی تعجب و مایه‌ی تأسف است، و شنیدیم که رسانه‌های دشمن و مخالف جمهوری اسلامی هم این حرفها را پخش کردند. انسان واقعاً متأسف میشود وقتی که این مطالب را می‌شنود. بعضی از این حرفها تکرار حرفهای خصمانه‌ی دشمنان ما است، تکرار حرفهای آمریکا است. حالا مثلاً فرض کنید آمریکایی‌ها سالها است از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه بشدت ناراحت و ناراضی‌اند؛ از نیروی قدس ناراحت بودند به خاطر این، از شهید سلیمانی ناراحت بودند به خاطر این، شهید سلیمانی را به شهادت رساندند به خاطر این؛ هر چیزی که عامل نفوذ معنوی جمهوری اسلامی در منطقه باشد، برای آنها بد است. ما نباید حرفی بزنیم که این معنا را تداعی کند که ما داریم حرف آنها را تکرار میکنیم؛ چه درباره‌ی



نیروی قدس، چه درباره‌ی شخص شهید سلیمانی. سیاست کشور تشکیل شده از انواع برنامه‌های اقتصادی، برنامه‌های نظامی، برنامه‌های اجتماعی، برنامه‌های علمی و فرهنگی، از جمله مناسبات دیپلماسی و مناسبات خارجی؛ مجموع اینها سیاست یک کشور را تشکیل میدهد. همه با هم باید تلاش کنند، همه با هم باید پیش بروند. اینکه این بخش آن بخش دیگر را نفی نکند، آن، این را نفی نکند، اصلاً معنی ندارد، این خطای بزرگی است که از مسئول جمهوری اسلامی و مسئولین جمهوری اسلامی نباید این خطا سر بزند.

نیروی قدس، عامل تحقق سیاست عزتمند جمهوری اسلامی در منطقه انصافاً نیروی قدس بزرگ‌ترین عامل مؤثر در جلوگیری از دیپلماسی انفعالی در منطقه‌ی غرب آسیا است؛ نیروی قدس در منطقه‌ی غرب آسیا یک سیاست مستقل جمهوری اسلامی را و سیاست عزت‌مدار جمهوری اسلامی را تحقق بخشیده.

اصرار غربی‌ها بر انفعال و تبعیت جمهوری اسلامی از آنها، و سیاست مستقل ما غربی‌ها اصرار دارند که سیاست خارجی کشور متمایل به آنها و زیر پرچم آنها باشد؛ آن هم به شکل تبعیت؛ میل غربی‌ها این است؛ چون سالها این جور بوده است؛ هم در زمان اواخر قاجار، هم در دوران طولانی حکومت پهلوی، ایران تحت سیطره‌ی سیاستهای غرب بوده؛ انقلاب آمده و ایران را از تحت سیطره خارج کرده؛ در تمام چهل سال، تلاش غربی‌ها -چه آمریکا، چه اروپا- برای این بوده است که آن سیطره‌ی قبلی خودشان را بر این کشور ادامه بدهند؛ لذا شما می‌بینید جمهوری اسلامی با چین ارتباط برقرار میکند، آنها عصبانی میشوند، با روسیه ارتباط سیاسی یا اقتصادی برقرار میکند، آنها ناراحت میشوند، عصبانی میشوند؛ با همسایگان می‌خواهیم ارتباطات را برقرار کنیم آنها وارد میشوند، همسایه‌های بیچاره‌ی ضعیف ما را زیر فشار قرار میدهند و مانع میشوند. اینها مواردی است که ما شاهدش بودیم و بنده موارد متعددی را سراغ دارم از کشورهای عربی و کشورهای همسایه که مسئولین عالی‌رتبه‌شان حتی می‌خواستند به ایران سفر کنند، [اما] آمریکایی‌ها رفتند مانع شدند که سفر نکنند؛ یعنی اینها با هر گونه تحرک دیپلماسی ما مخالفند. ما نمیتوانیم در مقابل این خواست آنها منفعل عمل کنیم؛ ما باید مستقل و عزتمند و پرتلاش و پرتوان عمل کنیم و این کار را در منطقه بعضی‌ها کرده‌اند و بحمدالله به نتیجه رسیده‌اند.

تعیین سیاست خارجی همه‌ی کشورها در مجامع بالادستی و نه وزارت خارجه این را هم همه بدانند که سیاست خارجی در هیچ جای دنیا در وزارت خارجه تعیین نمیشود. سیاست خارجی در همه جای دنیا مربوط به مجامع بالادستی وزارت خارجه است؛ مجامع بالادستی و مسئولین عالی‌رتبه‌ی کشور هستند که سیاست خارجی را [تعیین میکنند]؛ البته وزارت خارجه هم در اینها مشارکت دارد، لکن این جور نیست که تصمیم‌گیری، تابع وزارت خارجه باشد؛ نه، وزارت خارجه مجری است؛ سیاستهای خارجی را [اجرا میکنند]؛ اینجا در کشور ما هم همین جور است؛ در شورای عالی امنیت ملی که همه‌ی مسئولین در آنجا حضور دارند، تصمیم‌گیری میشود و وزارت خارجه با شیوه‌های خودش بایستی آنها را عملی بکند و پیش ببرد. به هر حال نباید ما جوری حرف بزنیم که معنایش این است که سیاستهای کشور را باور نداریم و قبول نداریم. باید مراقب باشیم؛ مراقب دشمن شاد کردن هم باشیم؛ واقعاً جوری نباشد که دشمن را شاد کنیم. من امیدوارم ان شاءالله خداوند به همه‌ی مسئولین کشور که واقعاً مایلند به نظام جمهوری اسلامی، به کشورشان، به میهنشان، به مردمشان خدمت کنند، توفیق بدهد تا بتوانند این کار را با بهترین وجهی انجام بدهند.



امیدواریم خدای متعال ما را به آنچه رضای او و نصرت او در آن هست موفق بدارد و ان شاء الله بتوانیم این راه را برویم و خداوند ما را از دعای ولی عصر (ارواحنا فداه) و رضایت آن بزرگوار برخوردار کند. این شبها دعا برای تعجیل فرج مهم است، دعا برای وجود مبارک امام زمان (سلام الله علیه و عجل الله فرجه و ارواحنا فداه) خیلی مهم است ؛ آن بزرگوار هم شما را دعا خواهند کرد ؛ وقتی شما دعا میکنید ایشان را، ایشان هم شما را دعا میکنند و دعای آن بزرگوار دعای مستجابی است ؛ ان شاء الله خداوند ما را از دعای آن بزرگوار برخوردار کند و ارواح طیبه‌ی شهدای بزرگوار و روح مطهر امام بزرگوارمان که حقاً جای ایشان خالی است، از ما راضی و شاد کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۲۴ ؛ «... من تو را پیشوای مردم قرار دادم ...»

۲) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۲۴ ؛ «... از دودمانم [چطور]؟ ...»

۳) سوره ابراهیم ، بخشی از آیه‌ی ۳۹ ؛ «سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید ...»

۴) وزن کردن

۵) کافی، ج ۴، ص ۴۶۶

۶) سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۲ ؛ «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها میشوند و مورد آزمایش قرار نمیگیرند؟»

۷) بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۸۲

۸) دنباله

۹) بیانات به مناسبت حلول سال نو (۱۳۹۹/۱۲/۳۰)